



## در خلا نمی توانم دربارهٔ زبان شناسی تحقیق کنم

نخستین بخش گفتگوی آدینه را با دکتر محمدرضا باطنی استاد زبان شناسی در شماره گذشته خواندید. در این شماره دومین و آخرین قسمت آن را مطالعه خواهید کرد.

مردم رسوخ کرده است که حتی تحصیل کرده ها وقتی با این نوع گوناگونی مواجه می شوند، می پرسند کدامش درست است یا کدام را باید گفت؟ چند گونگی صورتهای زبان در تلفظ، در خط، در ساخت واژه ها، در الگوهای دستوری، همه جا مشاهده می شود. در اینگونه موارد سوال به این صورت مطرح نیست که از اینها کدام درست است بلکه اصولی تر این است که پرسیده شود از اینها کدامش درست تر یا کدامش مصطلح تر است.

در بسیاری موارد حتی به این سوال نسبی هم نمی توان جواب داد. مثلاً در زمینه تلفظ اگر پرسیده شود «نخست» درست است یا «نخست» باید جواب داد هر دو. یا اگر پرسیده شود «شمال» درست است یا «شمال» باید گفت هر دو. یا اگر پرسیده شود «گمان» درست است یا «گمان» باید جواب داد هر دو. ولی «گمان» تلفظ عادی تری است. یا اگر پرسیده شود «پژوهش» درست است یا «پژوهش» یا «پژوهش» باید گفت هر سه. ولی «پژوهش» تلفظ عادی تری است. همین

گمان می کنند در هر مورد فقط یک صورت درست وجود دارد و هر چیز جز آن باشد غلط است در حالی که تمایز بین درست و غلط در زبان مانند تمایز بین شب و روز مشخص و مطلق نیست در بسیاری موارد دو یا چند صورت زبانی می توانند پایه ای هم درست باشند و به کار بروند. علاوه بر این تمایز بین درست و غلط به جای اینکه یک تمایز دو بعدی باشد، در غالب موارد یک تمایز تدریجی است. به این معنی که بین درست و غلط موارد بینابینی مشاهده می شود که با قطعیت نمی توان گفت به کدام دسته تعلق دارند و باید با ملاک کمتر و بیشتر سنجیده شوند و نه با ملاک قاطع آری یا نه. این وضع در همه زبانها وجود دارد و منحصر به فارسی یا انگلیسی یا زبان خاص دیگری نیست و این خود یکی از ویژگی های است که زبان طبیعی انسان را از زبان ریاضیات و منطق صوری و دیگر زبانهای ساختگی متمایز می سازد. این تصور بر اساس دستور نویسان سنتی که در هر مورد فقط یک صورت درست وجود دارد و بس آنچنان در میان

یکی از استادان اخیراً گفته اند زبان شناسی و گرامر دو چیز مختلف است؛ از اساس دو چیز مختلف. نظر شما در این باره چیست؟  
- به نظر من این حرف درستی نیست. اگر چنانچه گفتیم کار زبان شناسی شناخت ساخت و کار زبان باشد و اگر کتاب دستور استخراج قواعد حاکم بر زبان، یعنی همان قواعدی که در ذهن گوینده و شنونده وجود دارد باشد این صورت کار دستور نویسی صرفاً کار زبان شناسی است و اینکه زبان شناسی و دستور زبان یا گرامر دو چیز مختلف یا دو چیز از اساس مختلف است درست نیست.

● به نظر می رسد که دربارهٔ مفهوم درست و غلط در زبان بین زبان شناسان و ادبا و دستور نویسان سنتی اتفاق نظر نیست.

- می توان گفت که یک چنین اختلاف نظری وجود دارد و این بستگی به پیش فرضهای این دو گروه دارد. یکی از فرض های غلط این است که نویسندگان دستورهای سنتی

چوایها را در مورد گوناگونی های خط، ساخت، وازه و در مورد بسیاری از الگوهای دستوری دیگر باید داد.

● در سالهای اخیر زبان شناسی در سطح جهان دستخوش تحولات چشمگیری شده است. مادرا ایران تا چه حد توانسته ایم همگام با این تحولات پیش برویم؟

– در سالهای اخیر زبان شناسی دستخوش تحولات چشمگیری شده است و زشته ها و شاخه های جدیدی پیدا کرده است. به عنوان مثال می توان از دورشته تازه یکی Nerrolinguistics یعنی زبان شناسی عصب شناختی و دیگری Computational Linguistics زبان شناسی کامپیوتری که گاهی می توان آن را زبان شناسی کمی نیز خواند نام برد.

زبان شناسی عصب شناختی به این مسئله می پردازد که سازمان بندی زبان در قشر مخ چگونه است؟ سازمان بندی زبان در قشر مخ یک آدم دو زبانه با یک آدم یک زبانه چه تفاوتی دارد؟

عارضه های مغزی بطور به زبان لطمه می زنند و ایجاد زبان پریشی می کنند؟ و سوالات دیگری از این قبیل.

زبان شناسی کامپیوتری کاربرد هرچه بیشتر کامپیوتر را در پژوهش های زبانی مطالعه می کند. در خود زبان شناسی نیز تحولات عمیقی در زمینه های نحو، معنا شناسی و آواشناسی روی داده است. اما متأسفانه ما نه تنها در این زمینه پیشرفتی نکرده ایم، بلکه فاصله قبلی مان بیشتر نیز شده است. فقط کافی است بدانیم که گروه آموزشی زبان شناسی همگانی یا زبان شناسی جدید در دانشگاه تهران فقط سه نفر کادر علمی دارد و اینها هم چنان بار تدریس سنگینی به دوش دارند که کمتر مجال تحقیق پیدا می کنند. من گمان می کنم وضع در همه رشته های علمی همینطور باشد. به اقتضای وضعی که کشور ما در آن قرار گرفته، به استثنای تکنولوژی جنگ، شاید بتوان گفت ما در هیچ کدام از رشته های علمی همگام با جهان پیش نرفته ایم.

● شما به عنوان یک استاد زبان شناس سرشناس که سالهای دراز در این رشته تدریس کرده و آثار ارزنده ای در زبان شناسی پدید آورده اید فعلا به چه کاری مشغول هستید و آیا کاری که به آن مشغول هستید با توجه به دلستگی اصلی تان یعنی زبان شناسی برای شما ارضاء کننده هست؟

– من فعلا استاد بازنشسته دانشگاه تهران هستم و به درخواست خودم هم بازنشسته

شدم. در حال حاضر در مؤسسه انتشاراتی فرهنگ معاصر با یک همکار به تدوین یک فرهنگ یادگشتری دوزبانه انگلیسی-فارسی مشغولم.

این روزها در اواخر حرف V هستم و امید می رود که این فرهنگ سال آینده به بازار عرضه شود. ضمناً مؤسسه فرهنگ معاصر طرح های فرهنگ نویسی دیگری نیز در دست دارد که ما به بحث آن نمی پردازیم.

اما درباره اینکه آیا راضی هستم یا نه، باید بگویم امور نسبی هستند. من در درجه اول یک معلم هستم و هیچ جا را به اندازه کلاس و هیچ کار را به اندازه تدریس دوست ندارم. ولی اگر قرار باشد بین کار فعلی یعنی تدوین فرهنگ و برگشتن به دانشگاه تهران یکی را انتخاب کنم. حتماً این کار را انتخاب خواهم کرد، زیرا در جو فعلی، امکان کار آکادمیک در دانشگاه نیست و جز جنگ اعصاب و تحقیر و توهین دستاوردی نخواهد داشت.

● با توجه به نقش سازنده و مؤثر شما در پاگرفتن زبان شناسی نوین در ایران چرا کار در این رشته را رها کرده اید؟ چند سال است که کمتر در این زمینه مقاله یا تحقیق تازه ای از شما منتشر شده است. علت اینکه در سالهای اخیر به ترجمه روی آورده اید چیست؟

– اگر توجه کرده باشید کتابهای من در زمینه زبان شناسی اغلب به صورت مجموعه

● اینکه زبان شناسی و دستور زبان پاگرا امر دو چیز مختلف یا دو چیز مختلف است، درست نیست.

● گروه آموزشی زبان شناسی همگانی یا زبان شناسی جدید در دانشگاه تهران فقط سه نفر کادر علمی دارد که به علت کار سنگین کمتر مجال تحقیق پیدا می کنند.

● هیچ جا را به اندازه کلاس و هیچ کس را به اندازه دانشجو و هیچ کار را به اندازه تدریس دوست ندارم.

● زبان شناس می تواند در کار ساختن تست و در نوشتن کتابهای درسی و... کمک موثری باشد.

مقالات است علت این است که این مقاله ها برای دانشجویان و کلاس درس تهیه شده اند، این مقاله ها اول به صورت درس در کلاس عرضه شده، بعد بین دوستان و همکاران توزیع شده و سرانجام به صورت کتاب در آمده اند. برای من کار بسیار مشکلی است. پنجمین و در حقیقت در مورد زبان و جزئیات آن تحقیق کنم. کسانی هستند که این توانایی را دارند ولی من نمی توانم. آن انگیزه های که می توانست مرا به حرکت در آورد تا بتوانم کار زبان شناسی را دنبال کنم فعلا وجود ندارد؛ آن انگیزه رفتن سر کلاس و درس دادن بود.

البته مقداری کار زبان شناسی هم انجام شده است که منتظر کاغذ است. از جمله می توان از یک مجموعه مقالات زبان شناسی یاد کنم که امید است بارع مشکل کاغذ به دست علاقه مندان برسد. بنابراین می توان گفت که من کار زبان شناسی را به کلی رها نکرده ام، بلکه آن را با آهنگ کندتری دنبال می کنم.

اما اینکه چرا به ترجمه روی آورده ام باید بگویم که من معتقدم که هر نوع عقیده، باور یا اظهار نظر در مورد انسان که با واقعیات زیست شناسی او مغایر باشد به کلی بی ارزش است. از این رو من به علوم زیستی دل بستگی زیادی دارم. به نظر من فقط با علم است که می توان پرده های چهل را درید و لفافه های او هام و خرافات را پاره کرد و واقعیات را عریان نشان داد. من سعی کرده ام اکنون که در دانشگاه درس نمی دهم لااقل از راه ترجمه کتابهای علمی که برای مردم نوشته شده اند تاحدی این وظیفه را انجام دهم.

به عنوان نمونه کتابی تحت عنوان «خواب» ترجمه کرده ام و این تنها کتابی است که درباره فیزیولوژی خواب – همین خواب معمولی که ما هر شب به آن پناه می بریم – در زبان فارسی وجود دارد.

اگر نوشته های دیگری در این زمینه باشد در سطح فنی است که برای مردم عادی قابل فهم نیست و شاید برای استفاده دانشجویان باشد. ولی تا آنجا که من می دانم این تنها کتابی است که بر بنیاد مسائل علمی در باره واقعیات زیست شناختی خواب زبان فارسی وجود دارد. این کتاب برای مردم انگلیسی زبان نوشته شده بود و من هم آن را برای مردم فارسی زبان ترجمه کردم.

● آیا داشتن اطلاعات زبان-شناسی وجود واحدهای زبان شناسی در دانشگاهها و تدریس زبان شناسی در سطح دانشگاه چه میزان می تواند



در آموزش زبان دوم مؤثر باشد. اگر معلمین دبیرستان يك استاد خوب زبان شناس می داشتند آیا این در شیوه کارشان تأثیر نمی گذاشت؟ - به طور قطع می گذاشت. يك رشته از زبان شناسی کار بسته به نام زبان شناسی مقایسه ای با تطبیقی هست که ساخت دو زبان را باهم مقایسه می کند. می دانید که در یادگیری، آنجا که ساخت دو زبان منطبق می شود می گویند انتقال یادگیری صورت گرفته یعنی این احتیاج به یادگیری ندارد. یادگیری زبان اصولاً مربوط به جایی است که دو زبان برهم منطبق نمی شود. یکی از جاهایی که زبان شناس می تواند معلم را راهنمایی کند که روی چه نکاتی تکیه کند از طریق این رشته از زبان شناسی است. یعنی از این راه او می تواند بفهمد مثلاً زبان فارسی به عنوان زبان مادری و زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی در کدام نکات باهم تطبیق نمی کنند. یعنی آنجا که انتقال یادگیری صورت می گیرد، ضرورتی نیست که تکیه شود ولی بر آنجا که انتقال یادگیری صورت نمی گیرد و وجوه افتراق دو زبان است باید تکیه بیشتری بشود. - و اینجاست که زبان شناس می تواند به معلم آموزش بدهد. در کار ساختن تست یا آزمون هم زبان شناس می تواند کمک کند.

prose ss را چگونه ترجمه کنیم ولی ماوراء این يك زبان علمی تخصصی وجود دارد که خاص يك رشته از علم است. مثلاً زبان علمی پزشکی. و ما به يك چنین زبان علمی اکنون دست یافته ایم. بدنیت در زمینه مسائل پزشکی مثالی بزنم تا ببینیم تا کجا می توانیم ترجمه کنیم و تا کجا نمی توانیم ترجمه کنیم. مثلاً ما اسم يك داروست. ولی فرانکو پلازین Tranquilizer را به آرامبخش ترجمه می کنیم و بسیار لغت خوبی است در پزشکی هم بکار گرفته می شود. بنابر این باید بین يك زبان علمی که از طرفندای ادبی خالی است و يك زبان بسیار خاص يك رشته فرق بگذاریم. زبان خاصی که به قول معروف زمینه و بستر آن در آن گنجانده شده است.

درسی که برای تدریس زبان انگلیسی در فرانسه نوشته شده است به درد محصل ایرانی نمی خورد و نکات لازم در آن رعایت نشده و این مسائل تنها از راه مقایسه و از راه زبان شناسی تطبیقی به دست می آید. ● آیا فرقی بین زبان علمی و زبان عام وجود دارد؟

- می توانم بگویم که يك زبان علمی وجود دارد که دارای مفاهیم روشن است و خالی از استعاره، مجاز و کنایه است و بیان روشنی دارد و لغات در آن معانی نسبتاً دقیقی دارند. زبانی علمی است که می دانیم در آن مثلاً conception یا

### آثار دکتر محمد رضا باطنی

- تألیفات در زمینه زبان شناسی:
- ۱) توصیف ساختمان زبان فارسی، امیر کبیر
  - ۲) زبان و تفکر و زمان
  - ۳) مسائل زبان شناسی نوین، آگاه
  - ۴) چهار گفتار درباره زبان، آگاه
  - ۵) نگاهی تازه به دستور زبان، آگاه
  - ۶) زبان آموزی، وزارت آموزش و پرورش
  - ۷) زبان شناسی جدید، بهر روش، آگاه
  - ۸) زبان و زبان شناسی، رابرت هال، جیبی
  - ترجمه در زمینه های غیر زبان شناسی:
  - ۹) مقدمه ای بر فلسفه، بوخسکی، نشر نو
  - ۱۰) انسان: به روایت زیست شناسی، آنتونی بارت، نشر نو
  - ۱۱) خواب، یان اوزوالد، هاشمی
  - در دست انتشار
  - ۱۲) ساخت و کار ذهن، کالین بیک مور، فرهنگ معاصر
  - ۱۳) دانشنامه مصور (جلد اول از پنج جلد)، آگاه
  - ۱۴) درباره زبان و زبان شناسی (مجموعه مقالات)، آگاه

### ● نظر شما درباره خط فارسی و احیای تغییر یا اصلاح آن چیست؟

- خط فارسی خطی است فارسی و به علت اینکه سه مصوت فعال زبان فارسی یعنی **ا، آ، اُ** در خط منعکس نمی شود نمی تواند تلفظ دقیق کلمات را به ما بدهد، به طوری که ما اغلب فاگزیر از نوشتن صورت لائقین کلمات هستیم. گذاشتن اعراب در بالا و پایین حروف، مساله را حل نمی کند، چون اغلب چاپخانه ها یا این اعراب را ندارند یا به کار نمی برند. مردماً هم نمی شود مجبور کرد که اعراب را به کار ببرند. من تغییر خط را نه علمی می دانم نه به مصلحت اما طرفدار اصلاح خط هستم. حداقل کاری که برای اصلاح خط فارسی می توان کرد که کارایی آن را به میزان زیادی بالا خواهد برد این است که به نحوی سه علامت که نشانه **ا، آ، اُ** باشد در زنجیره خط وارد شود، یعنی به صورت حروف داخل کلمه نوشته شود، نه اینکه در بالا و پایین دیگر حروف گذاشته شود. جزئیات این امر، يك کار فنی است که باید با مشورت کسانی که سمت اندر کار چاپ و ساختن حروف هستند انجام شود ولی این کار علمی است.

برای امتحان زبان خارجه از يك محصل ممکن است آزمونی ساخته شود که دارای ۱۰۰ سؤال باشد ولی از این تعداد ۹۰ سؤال از آنجایی است که ساخت دو زبان برهم منطبق است فقط ۱۰ سؤال مربوط به نقاطی است که ساخت دو زبان برهم منطبق نیست. و این آزمون را اگر با آزمون دیگری که فقط ۲۰ سؤال دارد و هر ۲۰ سؤال به صورتی طرح شده اند که ساخت دو زبان منطبق نیستند مقایسه کنید، قدرت آزمایشی تست دوم با ۲۰ سؤال از تست اول یا ۱۰۰ سؤال خیلی بیشتر است. و این را فقط يك زبان شناس می تواند بگوید که آزمون چگونه باید تنظیم شود، یعنی باید آنجایی دانشجو یا محصل سنجیده شود که احتمال لغزش دارد تا ببینیم که روی پایه های استواری قرار دارد یا نه.

جای دیگری که زبان شناس می تواند مؤثر باشد نوشتن کتابهای درسی است، هر جامعه زبانی که يك زبان خارجی را یاد می گیرد به مقتضای خصوصیات زبان مادری اش کتابهای درسی خاص می خواهد. یعنی کتابهای درسی انگلیسی خاصی باید برای فارسی زبان نوشته شود و کتابهای